

منع از اعتكاف و انزوا و عطلت و اوهام رهبان و عرفاء

حضرت بهاء الله

اصلى فارسى



لوح رقم (92) امر و خلق - جلد 3

۹۲ - منع از اعتكاف و انزوا و عطلت و اوهام رهبان و عرفاء

از حضرت بهاء الله در لوح خطاب به ناپلئون است قوله الاعلى : قل يا ملاء الرهبان لا تعتكفوا فى الكنائس و المعابد اخرجوا باذننى ثم اشتغلوا بما تنتفع به انفسكم و انفس العباد كذلك يأمركم مالك يوم الدين اعتكفوا فى حصن حبي هذا حق الاعتكاف لو كنتم من العارفين من جاور البيت انه كالميت ينبغى للانسان ان يظهر منه ما ينفع به العباد و الذى ليس له ثم ينبغى للنار كذلك يعظكم ربكم انه هو العزيز الكريم .

و در لوحى است قوله الاعلى : هذا ما اشرق من افق الامر قال و قوله الحق لا تشتغل بعمل الا بعد العلم كذلك قدر فى اللوح من قبل ان اقرء و كن من العاملين .

و در كلمات فردوسيه است قوله الاعلى : از جمله عرفای ملت اسلام بعضی از آن نفوس متشبث اند به آنچه که سبب تنبلی و انزوا است لعمر الله از مقام بکاهد و بر غرور بيفزايد از انسان بايد ثمری پديد آيد انسان بی ثمر بفرموده روح به مثابه شجر بی ثمر لائق نار ، این نفوس در مقامات توحید ذکر نموده اند آنچه را که سبب اعظم است از برای ظهور کسالت و اوهام عباد فى الحقیقه فرق را برداشته اند حق مقدس از کل ... حکیم سبزواری گفته اذن واعیه یافت نمیشود والا زمزمه سدره طور در هر شجر موجود در لوح یکی از حکماء که از بسیط



ORIGINAL

الحقیقه سؤال نمود به حکیم مذکور مشهور خطاب نمودیم اگر این کلمه فی الحقیقه از تو بوده چرا ندای سدره
انسان را که از اعلیٰ مقام مرتفع است نشنیدی اگر شنیدی حفظ جان و خوف تو را از جواب منع نمود چنین
شخص قابل ذکر نبوده و نیست و اگر شنیدی از سمع محروم بوده باری در قول نخر عالم اند و در عمل ننگ
امم ... ولکن این مظلوم حکماء را دوست داشته و میدارد یعنی آنان که حکمتشان محض قول نبوده بلکه اثر و
ثمر در عالم ازیشان ظاهر شده و باقی مانده بر کلّ احترام آن نفوس مبارکه لازم طوبی للعاملین و طوبی
للعارفین ... اهل ایران از حافظ و معین گذشته اند و به اوهام جهلاء متمسک و مشغول بشأنی باوهام
متشبث اند که فصل آن ممکن نه مگر بذراعی قدرت حق ... از حق بطلب تا حجاب احزاب را به اصبع اقتدار
بردارد .